



Paper type:
Research paper

Abstract

The Role of Education System in Creating the Discourse of Resistance Economy (within the Framework of Islamic Economy)

■ **Abdollah Ansari**¹

- **Objective:** This study aimed at investigating the role of education system in realizing the goals of resistance economy in Iran.
- **Method:** For this purpose, the method of document content analysis was used, and to prioritize, the model based on the experts' opinion approach was expanded and used in multiple ways. As for experts' opinions, the research population included university professors, managers and experts of education, and managers and experts of institutions related to education, who were purposefully selected based on their knowledge, expertise, and interest in participating in this study. To analyze the findings, Friedman's test, two-way analysis of variance, and Kruskal-Wallis one-way analysis of variance were used, and the independence of sample groups from different statistical populations was tested.
- **Findings:** The results of prioritizing the strategies and programs based on the average ratings showed that the strategy of "developing the participation of education system in realizing the goals of the resistance economy in Iran" has the second priority out of the four strategies. Furthermore, the program of "making resistance economy a discourse, and explaining relevant policies such as economic jihad, as well as promoting the culture of preserving the public treasury and people's rights, the rule of law, and responsibility towards the environment", has the first priority among the programs related to the strategy of developing the participation of education system in the society
- **Conclusion:** despite the diversity of experts' opinions about the definition of resistance economy and its relationship with Islamic economy and the difference in the views of the three groups of university professors, managers and experts in education, and managers and experts of institutions associated with education, approaching an agreement to make a discourse and realize the goals of resistance economy in Iran is recommended.

Keywords: resistance economy, resistance economy in education system, making resistance economy a discourse, validation of the program.

■ **Citation:** Ansari, A. (2022). The Role of Education System in Creating the Discourse of Resistance Economy (within the Framework of Islamic Economy). *Applied Issues in Islamic Education*, 7(4): 7-32.

Received: 2022/12/07

Revised: 2023/02/01

Accepted: 2023/03/11

Published: 2023/03/13

1. Associate Professor of the Research Department of Economics of Education, Research Institute of Education Studies, Tehran, Iran.

Email: abd_ansari@yahoo.com  0000-0002-0954-1319



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش آموزش و پرورش در گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی (در چارچوب اقتصاد اسلامی)

■ عبدالله انصاری*

چکیده

- هدف: اهداف این پژوهش تبیین نقش آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در کشور است.
- روش: برای این منظور روش تحلیل محتوای اسنادی به کار گرفته و جهت اولویت بندی از الگوی برخاسته از رویکرد مبتنی بر آرای خبرگان بسط یافته و به صورت چندگانه استفاده شده است. در بخش آرای خبرگانی، جامعه تحقیق اساتید دانشگاهی مرتبط، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش و مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط بودند که به طور هدفمند بر اساس میزان دانش، تخصص و علاقمندی به شرکت در مطالعه انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون فریدمن، تجزیه واریانس دوطرفه و تحلیل واریانس یک طرفه کروسکال-والیس به کار گرفته و استقلال گروه‌های نمونه از جوامع آماری مختلف آزمون شد.
- یافته‌ها: نتایج اولویت بندی راهبردها و برنامه‌ها بر اساس میانگین رتبه‌ها نشان داد راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور»، در میان راهبردهای چهارگانه دارای اولویت دوم است. همچنین برنامه «گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین سیاست‌های مربوطه مانند جهاد اقتصادی به همراه ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حقوق مردم، قانون گرایی و مسئولیت پذیری در برابر محیط زیست» در میان مجموعه برنامه‌های مربوط به راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در جامعه، اولویت نخست را دارد.
- نتیجه‌گیری: با وجود تنوع در آرای صاحب نظران پیرامون تعریف اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با اقتصاد اسلامی و تفاوت دیدگاه گروه‌های سه گانه اساتید، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش و مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط با آن، نزدیک شدن به توافق برای گفتمان سازی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ □ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

* دانشیار، گروه پژوهشی اقتصاد آموزش و پرورش، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران.

E-mail: abd_ansari@yahoo.com  0000-0002-0954-1319

مقدمه

اقتصاد مقاومتی به دنبال دستیابی به توسعه کشور، مبارزه با فساد، گسترش عدالت اجتماعی و تقویت فرهنگی است. وزارت آموزش و پرورش در راستای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی می‌تواند با برنامه‌ریزی، ائتلاف منابع را به حداقل رسانده و از سوی دیگر وظایف گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در محیط‌های آموزشی و تبیین کردن سیاست‌هایی مانند اصلاح فرهنگ مصرف فردی و اجتماعی را به عهده گیرد. ایفای نقش آموزش و پرورش در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند برنامه و برای تدوین یک برنامه موفق، مشارکت صاحب‌نظران ضروری است. مشارکت مدیران و کارشناسان نیز در فرایند تصمیم‌گیری به تقویت انگیزه، آمادگی برای اجرا، تقویت احساس تعهد و کاهش مقاومت در برابر اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منجر می‌شود. بررسی پیشینه موجود در حوزه اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد آن گونه که شایسته و بایسته است هنوز زمینه‌ها و ابعاد و روش‌های توسعه و تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه آموزش و پرورش تبیین و مدل‌سازی نشده است (توضیح، جهانی، عباسی و ترک‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۶۵).

در این مقاله با مراجعه به متون و مستندات، پیش‌نویس فهرستی از عناوین راهبردها و برنامه‌های مرتبط با تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و برنامه‌های گسترش مشارکت آموزش و پرورش برای تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی در جامعه تهیه و با استفاده از نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان، تدوین نهائی و اولویت‌بندی شده است. با وجود نقش تعیین‌کننده تاب‌آوری اقتصاد کشور در رفاه مردم و دستیابی به توسعه کشور و نیز جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در راستای تقویت اندیشه، فرهنگ و باورهای مربوطه در جامعه، به نظر می‌رسد نقش آموزش و پرورش نادیده انگاشته شده است. به گونه‌ای که وزیر آموزش و پرورش در ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی عضویت نداشت و با وجود نقش بدون جایگزین آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی برنامه عملیاتی نیز برای مشارکت وزارت مربوطه به عنوان دستگاه اجرایی ملی تدوین نشد (جهانگیری، ۱۳۹۴). با وجود تأکید برخی مطالعات پیرامون ماهیت اقتصاد مقاومتی به عنوان مجموعه‌ای از راهبردها (میرمعزی، ۱۳۹۴: ۵۱)، سیاست‌ها (امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۴) و تدابیر مدیریتی (دانش جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳) مبتنی بر اصول اسلامی (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۷) و لزوم دستیابی

به الگوی بومی و فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان به عنوان وظیفه و توانایی آموزش و پرورش، تاکنون برای مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اقتصاد مقاومتی و به‌ویژه گفتمان‌سازی (توضیح و همکاران: ۱۴۰۰: ۲۹۳)، راهبرد، سیاست و برنامه‌های تدوین، اولویت‌بندی و اعتباریابی نشده است.

این پژوهش دو هدف را دنبال می‌کند که عبارتند از: (۱) تدوین و اولویت‌بندی راهبردهای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و (۲) برنامه‌های آموزش و پرورش برای گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی از منظر گروه‌های صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران به همراه بررسی وجود سازگاری میان دیدگاه‌های گروه‌های یادشده. در این مقاله کوشش می‌شود به: (۱) «عناوین و ترتیب اولویت راهبردها برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و بررسی نظرات گروه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان» و (۲) «عناوین و ترتیب اولویت برنامه‌های معطوف به گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در جامعه و بررسی نظرات گروه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان در این زمینه» پرداخته شود. از این رو در این راستا نخست به مبانی نظری اقتصاد مقاومتی و تبیین ارتباط آن با اقتصاد اسلامی پرداخته و پس از معرفی روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها، فهرست راهبردها و برنامه‌های گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی که با مشارکت صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران تهیه و اولویت‌بندی شده است ارائه می‌شود.

مبانی نظری

در پی شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه گذشته، عبارت «اقتصاد مقاومتی» در محافل اقتصادی کشور مطرح و ماهیت و ویژگی‌های آن مورد توجه و بحث قرار گرفت که البته با تنوع دیدگاه‌ها همراه بوده و می‌باشد.

برخی باور دارند اقتصاد مقاومتی توانایی عبور از بحران یا برخورداری اقتصاد از ساز و کارهای برگشت به وضعیت اولیه یا تاب‌آوری و کاهش آثار شوک‌ها (جذب شوک) است (Briguglio, Lino & Piccinino, 2009:5). گروهی نیز آن را نهادی (مجموعه سیاست‌ها و قوانین و تدابیر اجرایی) برای به حداقل رساندن ریسک اقتصاد ایران در برابر اختلال‌های آسیب‌زننده، به ویژه تحریم‌های بین‌المللی معرفی می‌کنند (دانش جعفری و کریمی، ۱۳۹۴: ۳۰). با بررسی متون منتشر شده در باب اقتصاد مقاومتی مفاهیمی مانند

اقتصاد تحریم‌محور، تاب‌آور و ریاضتی را می‌توان تشخیص داد (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). برخی نیز برای تعریف اقتصاد مقاومتی درصدد تبیین ارتباط آن با اقتصاد اسلامی برآمده‌اند. بر این مبنا اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و در واقع اولویت‌های اقتصادی می‌باشد که بر اساس ارزش‌های اسلامی و متناسب با شرایط بومی و تاریخی تعریف شده (امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۴) و نسخه‌ای از نظام اقتصادی اسلام است که پرتوهای مکتب اقتصادی اسلام را بازتاب می‌دهد (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۲۸). اقتصاد مقاومتی، رهیافتی از اقتصاد اسلامی است که الزامات آن کاملاً مطابق با اصول اخلاق اسلامی (ارژنگ و دهقان ۱۳۹۳؛ به نقل از قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۴) و اصول آن با اصول اقتصاد اسلامی همسان است (آقانظری، ۱۳۹۳؛ به نقل از قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۴). از منظر جمعی نیز اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی و لذا اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم است، زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمان دارد و از نهادهای اقتصادی و اجتماعی مناسب هم بهره می‌گیرد (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۵). گروهی نیز باور دارند اقتصاد مقاومتی مترادف اقتصاد اسلامی و به عبارت بهتر نظام اقتصاد اسلامی همان نظام اقتصاد مقاومتی است (سیف‌لو، به نقل از قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). بر این اساس تنها یک نظام اقتصادی مبتنی بر مکتب اقتصاد اسلامی ظرفیت تحقق بخشیدن به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را دارد و دیگر نظام‌های مبتنی بر مکتب اقتصاد نئوکلاسیک از این کار ناتوان هستند (امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۰). برخی نیز اقتصاد مقاومتی را شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام می‌دانند که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن با تغییر در اولویت هدف‌ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم طراحی می‌شود (میر معزی، ۱۳۹۴: ۵۱). نیل به یک الگوی بومی و به عبارتی ایرانی اسلامی از اقتصاد مقاومتی نیازمند به چهار رکن است که عبارتند از: ۱. قرآن و سنت؛ ۲. آراء و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی؛ ۳. دانش و تجارب بشری؛ و ۴. شرایط و اقتضاء زمانی اقتصاد ایران (سمیعی نسب و سلیمانی، ۱۳۹۶: ۶۰). برخی عقیده دارند نظام اقتصاد اسلامی بهترین ظرف در اجرای اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی ایران است (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). در برابر گروهی بر این باور هستند که اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی نیست بلکه استخراج شده از آموزه‌های اسلامی است (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). برای نمونه، عقیده

دارند نظام اقتصاد اسلامی به اندازه کافی تبیین نشده و خود در کش و قوس اثبات و ثبوت است. همچنین معتقد هستند نظام اقتصاد اسلامی تنها ظرف عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی نیست (سیفلو، ۱۳۹۳؛ به نقل از قربی: ۱۰۵). ایشان استدلال می‌کنند اگر اقتصاد مقاومتی برآمده از اقتصاد اسلامی و یا کاملاً مطابق با آن باشد، نیازی به مطرح شدن اقتصاد مقاومتی نبوده است (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). پرواضح است که نظام اقتصاد اسلامی بهترین ظرف برای اجرای اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی ایران است ولی نمی‌توان اجرا و عملیاتی شدن اقتصاد اسلامی را فقط در این ظرف مقدور دانست و با این استدلال تا زمان پیاده‌سازی و به عبارت بهتر استخراج و مدون شدن نظام اقتصاد اسلامی، اجرای اقتصاد مقاومتی را به تعویق انداخت (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). برخی نیز با رویکرد عملگرایی، باور دارند اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از تدابیر مدیریتی است برای رفع کردن سلسله نوسانات و ناپایداری‌های اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصادی حاکم و اقتصاد مقاومتی مبتنی بر یک نظریه نیست (دانش جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳).

مرور دیدگاه‌ها پیرامون اقتصاد مقاومتی از قبیل اقتصاد اسلامی، تحریم‌محور، تاب‌آور و ریاضتی نشان از تنوع مفهومی بسیار دارد. برخی هدف از اقتصاد مقاومتی را نهادسازی (مجموعه سیاست‌ها و قوانین و تدابیر اجرایی) و گروهی مجموعه‌ای از تدابیر مدیریتی برای مهار کردن ناپایداری‌های اقتصادی می‌دانند و لذا باور دارند که تنها می‌توان از آن به‌عنوان یک رویکرد و نه یک نظریه تعبیر کرد. برخی برخلاف رویکرد تهدید محور باور دارند ریشه عمده مشکلات و چالش‌های اقتصادی کشور، منشأ درونی دارد و به مؤلفه‌هایی نظیر بی‌عدالتی، بی‌همتی، سوءمدیریت، استفاده نامناسب از منابع انسانی، مالی، زمان و فیزیکی، بهره‌وری پائین و غیره اشاره می‌کنند. گروهی دیگر بر جنبه‌های فرهنگی تأکید و هدف اقتصاد مقاومتی را تغییر در رفتار اقتصادی مردم و مسئولان معرفی و از آموزش و پرورش با عنوان ابزار انتقال ادبیات اقتصاد مقاومتی یاد کرده‌اند که وظیفه اقناع و توجیه علمی مردم نسبت به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌عهده دارد تا زمینه پذیرش و جلب مشارکت عمومی فراهم شود. در این مقاله اقتصاد مقاومتی به‌عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات مدیریتی است که در چارچوب اقتصاد اسلامی و با الزام به حدود اسلامی برای کاستن از دامنه و شدت ناپایداری‌ها تدوین شده و با چارچوب نظریه اقتصادی حاکم سازگار است. در این راستا آموزش و

پرورش می‌تواند با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در محیط درونی خود از اندازه ائتلاف منافع کاسته و با گفتمان‌سازی آن در محیط آموزشی انعطاف‌پذیری ساختار نهادی کشور را بهبود بخشد تا در رویارویی با تنش‌های ناشی از تحولات خارجی، خود را در جریان تعدیل و تطبیق سریع قرار دهد. تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند فراهم شدن بستر فرهنگی و اجتماعی مناسب است (طهماسب‌زاده‌شیکلار، فتاحی و ایمان‌زاده، ۱۴۰۰ و یوسف‌زاده و آداک، ۱۳۹۷). گفتمان‌سازی پیرامون اصلاح سبک زندگی اسلامی- ایرانی والگوی فرهنگ مصرف و مقابله با اسراف و تجمل‌گرایی با توجه به مبانی اخلاقی- اسلامی، جهاد اقتصادی و ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حق‌الناس در چارچوب تعلیم و تربیت اقتصادی می‌گنجد که نهادینه‌سازی آن در محدوده وظایف آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان از وظایف و توانایی‌های ذاتی نهاد آموزش و پرورش است و اقتصاد مقاومتی نیز برای نهادینه شدن در جامعه نیاز به این فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان دارد (توضیح و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹۳). آموزش و پرورش می‌تواند کارکرد تربیتی ویژه‌ای در گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و ترویج و نهادینه‌سازی آن در کودکان و نوجوانان و جوانان آینده‌ساز جامعه ایفا نماید. همچنین به واسطه ظرفیت‌های تعاملی ویژه‌ای که از جهات مختلف می‌تواند با خانواده و سایر عناصر و حوزه‌های اجتماعی فرهنگی و حتی سیاسی جامعه داشته باشد قادر خواهد بود در این زمینه فرهنگ‌ساز باشد (توضیح و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۵).

ایزنللو و توکلی (۱۴۰۰) با استفاده از روش تحلیلی، به تبیین مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی جهادی و تأثیر آن بر تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته و دریافتند فعالیت اقتصادی در راه خدا، اولویت منافع جمعی بر منافع فردی، عدم‌پذیرش سلطه اقتصادی و تأکید بر مقاومت اقتصادی به عنوان مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی جهادی منجر به ایجاد مؤلفه‌های سخت‌کوشی برای کسب روزی حلال، راکد نگذاشتن اموال، تأکید بر تولید کالای داخلی، مصرف در سطح کفاف با اولویت کالای داخلی و توزیع عادلانه منابع و درآمد می‌شوند. جمشیدی‌مهر و عبدی‌پور (۱۴۰۰) با هدف بررسی نقش معلم در تحقق سبک زندگی ایرانی اسلامی متناسب با اقتصاد مقاومتی و استفاده از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا تلاش دارد نشان دهد نقش معلم به عنوان الگو برای سبک زندگی ایرانی اسلامی اهمیت دارد. دشتی، پوردانش، باقری‌نیا و مکرمی‌پور (۱۴۰۰) با استفاده از روش

تحقیق توصیفی- تحلیلی نشان دادند مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، مبارزه با فساد، تضمین شفافیت، مردمی‌سازی اقتصاد، حمایت از کارآفرین و شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. توضیح و همکاران (۱۴۰۰) با جلب مشارکت مدیران آموزش و پرورش و روش تحلیل مضمون نشان دادند اقدامات نهادی، مدیریت کارآمد منابع انسانی و مالی، پرورش روحیه کار در دانش‌آموزان، اصلاح سبک زندگی و مردم‌محوری برخی از اصلی‌ترین ابعاد تحقق اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش هستند. برقی و فضلی‌زاده (۱۳۹۸) با استفاده از روش ترکیبی و نمونه‌گیری هدفمند تلاش کردند پس از استخراج زیرمؤلفه و مفاهیم مرتبط، با بهره‌گیری از طرحواره سه‌عنصری برنامه درسی گودلد (عنصر محتوایی- سیاسی، اجتماعی و فنی و حرفه‌ای)، مدل برنامه درسی مبتنی بر مؤلفه اصلاح الگوی مصرف اقتصاد مقاومتی را ارائه کنند. شیروی و خداپرست (۱۳۹۸) با مقایسه اسناد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار نشان دادند مهم‌ترین تفاوت، ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت این اسناد در رسیدن به اهداف پیشرفت و توسعه است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است. کمانگرشیرزاد (۱۳۹۸) در پژوهشی با روش اسنادی و تحلیلی به راهبردهای عملی اقتصاد مقاومتی پرداخته و نتیجه گرفت روی آوردن افراد جامعه اسلامی به مصرف کالای تولید داخل همراه با دوری از اسراف و تبذیر و رعایت قناعت و انصاف در مصرف، می‌تواند راهبرد الگوی مصرف در اقتصاد مقاومتی باشد. گرمایی (۱۳۹۷) با استفاده از روش تحلیل کیفی، ۱۳ هدف کلی و سپس براساس آنها اهداف دوره‌های سه‌ساله را تعیین کرد. در عنصر محتوا نیز سرفصل‌های کلیدی مطالب مربوط به آموزش اقتصاد مقاومتی مشخص و در پایان محتوای هر یک از دوره‌های سه‌ساله تحصیلی پیشنهاد شد. کشتی‌آرای، و عمادزاده، و یزدانی (۱۳۹۷). با روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند، متون برنامه درسی مبتنی بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را انتخاب کرده و نشان دادند مؤلفه‌های اصلاح الگوی مصرف، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، دانش‌محوری، فسادستیزی، تأمین امنیت اقلام راهبردی و خودکفایی و مردم‌محوری اقتصاد مقاومتی، برای لحاظ شدن در برنامه درسی مناسب می‌باشند. رحمان‌پور (۱۳۹۷) با استفاده از روش پژوهش کیفی و تحلیل محتوای اسنادی برای استخراج مبانی اقتصاد مقاومتی از قرآن دریافت که تجلی توحید در اقتصاد، تفقه در احکام اقتصادی، جهاد

اقتصادی همراه با عدالت، رشد اقتصادی، سعی و مجاهده اقتصادی، اشتغال در جهت ریشه کنی فقر و استضعاف مالی، کار اقتصادی و ارزش افزوده، عدالت خدماتی در توزیع، خوداتکایی، قناعت و مصرف بهینه از جمله اصول مهم از دیدگاه قرآن هستند. میرعرب، حاجی تبار فیروزجایی، و آریانفر (۱۳۹۷). با تحلیل مؤلفه‌های سواد اقتصادی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نشان دادند در درس اقتصاد ضریب اهمیت مؤلفه حفظ و توسعه ثروت با (۱۴/۱۲) بیشترین و مؤلفه اسراف و تبذیر (۱/۱۴)، کسب و کار (۱/۵۲) و کارآفرینی (۱/۹۰ درصد) کمترین بودند. قاسمی، و جرفی، و عبدالامیر و محمودیان (۱۳۹۷) نشان دادند از منظر اساتید علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز میان سبک زندگی اسلامی ایرانی با الگوی فرهنگ اقتصاد مقاومتی و ساختن زندگی مطلوب اجتماعی رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. خالقیان میمند، و واعظ برزانی، و حیدری و طغیانی (۱۳۹۶). با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، نتیجه گرفتند الگوی فکری «اقتصاد اسلامی» بیشترین همسویی را با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی دارد. انصاری (۱۳۹۵) عناوین و ترتیب اولویت راهبردها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش را از دیدگاه صاحب‌نظران و متصدیان عنوان کرده و نتیجه گرفته است راهبرد گسترش مشارکت و سهم آموزش و پرورش در توسعه کشور اولویت داشته است. پیغامی، سمیعی‌نسب، و سلیمانی (۱۳۹۵). در کتاب «اقتصاد مقاومتی از منظر سیره نبوی» با بررسی شباهت‌های موجود میان دوران صدر اسلام و دوره کنونی، با استفاده از اندیشه و سیره نبوی در رویارویی با تحریم‌های اقتصادی، راهکارهایی در زمینه اجرای اقتصاد مقاومتی را ارائه کردند. طغیانی و مرادی (۱۳۹۵) لزوم دوری از سلطه پذیری برای دستیابی به حیات طیبه، اعتقاد به علم و حکمت الهی در ضرورت استقلال اقتصادی، عزت مندی، ایمان و استقامت بر آن و عمل به آن در مبارزه با سلطه گران را به‌عنوان مبانی دینی برنامه درسی تربیت اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی معرفی کردند. طاهری سرتشنیزی (۱۳۹۵) بازگشت به آموزه‌های اقتصادی قرآن را به عنوان زیرساخت اقتصاد مقاومتی ضروری و جهت اقتصاد مقاومتی را برخاسته از سنن الهی، مقام انسان در هستی، جامع‌نگری و عدالت می‌داند. همچنین باور داشتن به وعده‌های الهی، دل‌سپردگی به آموزه‌های قرآنی و اراده قوی در تحقق نظام اقتصاد مقاومتی نقش اساسی دارد. قرارگاه پدافند اقتصادی سازمان پدافند غیرعامل (۱۳۹۵) با استفاده از

روش داده بنیاد، عناوین موضوعات را دسته‌بندی و حوزه‌های فرهنگ اقتصاد مقاومتی، نیازهای اساسی مردم، دیپلماسی اقتصادی و مبارزه با مفاسد اقتصادی را بررسی کرده است. زراء نژاد (۱۳۹۵) با تحلیل ادبیات اقتصاد مقاومتی، چهار رویکرد اقتصاد اسلامی، اقتصاد تحریم‌محور، اقتصاد انعطاف‌پذیر و اقتصاد ریاضتی را معرفی و اقتصاد مقاومتی را به عنوان الگویی بومی و اسلامی، متناسب با نیازهای کشور، مقاوم، منعطف، بالنده، درون‌زا، برون‌نگر، مردم بنیاد و عدالت‌محور تعریف کرده است. پیغامی، سمیعی نسب و سلیمانی (۱۳۹۵) با رویکردی اسلامی به تحلیل تربیت مالی در تمدن اسلامی ایران پرداخته و مفاهیمی مانند رزق، مخارج خیریه، دین، کنزمال، قناعت، قوام در مصرف و اکل مال به باطل را بررسی کرده‌اند. طغیانی و پیغامی (۱۳۹۵) با تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی و سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی، نتیجه گرفتند الگوی متعارف سواد مالی، فردگرایانه بوده ولی در آموزه‌های اسلامی، هویت‌های جمعی نیز مورد توجه قرار دارند. سلیمانی و پیغامی (۱۳۹۵) با در نظر گرفتن ارکان اقتصاد مقاومتی شامل قرآن و سنت، آرای رهبران انقلاب اسلامی، دانش و تجارب بشری و شرایط اقتصاد ایران، توسعه و پیشرفت اقتصادی، امور فرهنگی-اجتماعی، توسعه علم و فناوری و منابع طبیعی و زیست محیطی را به‌عنوان مؤلفه‌های الگوی «مقاوم‌سازی اجتماعی-اقتصادی ایران» استخراج کردند. قربی (۱۳۹۵) به بررسی دیدگاه همسان‌پنداری اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی پرداخته و نتیجه گرفته است اقتصاد مقاومتی نسبت به ظرف اجرایی آن بی‌طرف و خنثی و موضوع اقتصاد اسلامی گسترده‌تر از اقتصاد مقاومتی است. طغیانی (۱۳۹۴) بر این باور است که روح حاکم بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، فرهنگی و پرورش گفتمان‌سازی، سبک زندگی و الگوی مصرف اسلامی، روحیه کار جمعی، نوآوری و کارآفرینی و مهارت در محدوده وظایف وزارت آموزش و پرورش است. سبکتکین، جعفری و جعفری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای دریافتند میزان گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی (گرایش به مؤلفه‌های مصرف بهینه، خرید محصولات ایرانی، پس‌انداز کردن، اولویت‌های هزینه‌ای و داشتن روحیه پیشرفت) با متغیرهای میزان مصرف‌گرایی خانواده، جامعه‌پذیری دینی، اهتمام مدرسه به فرهنگ اقتصاد مقاومتی و شخصیت اجتماعی پیشرفته همبستگی معنادار دارد.

مرور پیشینه نشان از نبود توافق پیرامون مبانی نظری اقتصاد مقاومتی و به ویژه

ارتباط آن با اقتصاد اسلامی و شماراندک مطالعاتی دارد که با وجود پرداختن به استخراج مؤلفه‌ها، برای تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و جامعه ناکافی هستند. اجماع پیرامون ماهیت اقتصاد مقاومتی و شمار پژوهش‌های کافی و مناسب در زمینه چگونگی گفتمان‌سازی آن در جامعه از گذر برنامه‌های آموزشی در آموزش و پرورش با کاستی چشمگیری روبه‌رو است.

روش پژوهش

اهداف اصلی این تحقیق تدوین و تعیین اولویت عناوین راهبردهای تحقق اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های لازم برای گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و کشور از دیدگاه صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران اجرایی است. با توجه به اهداف و سئوالات پژوهش، در این مقاله از روش ترکیبی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش عبارت از اسناد مرتبط با موضوع و صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران و نمونه‌های آماری پژوهش در بخش اسناد در برگزیده معتبرترین برنامه‌ها و مطالعات موجود در سطح ملی و بین‌المللی (۱۰ کتاب، ۳۹ مقاله) مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌های زیرنظام‌های مربوطه، نقشه جامع علمی کشور، مجموعه سیاست‌های ابلاغی (اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی و...) (شامل ۱۰ سند و مجموعه سیاست) است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. همچنین نمونه‌های ۵ نفره از خبرگان و شمار صاحب‌نظران، تصمیم‌گیران و مدیران و مجریان ستادی و استانی (۹۷ نفر) در قالب سه گروه و براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران و روش تصادفی ساده تعیین و با روش نمونه‌گیری هدفمند و گزینشی انتخاب شدند. گروه‌های سه‌گانه یاد شده که نظرات آنها در رتبه‌بندی راهبردها و برنامه‌ها به کار گرفته شد، به ترتیب عبارت بودند از:

۱. **صاحب‌نظران:** اعضای هیأت علمی برگزیده دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و آن دسته از صاحب‌نظران شاغل در وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که در خصوص مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی، اقتصاد آموزش و برنامه ریزی آموزشی به امور تدریس، تحقیق، سیاست‌گذاری یا برنامه ریزی اشتغال داشتند (۷۴ نفر).

۲. **تصمیم‌گیران:** مدیران و کارشناسان برگزیده و مؤثر در تصمیم‌گیری در نهادهای،

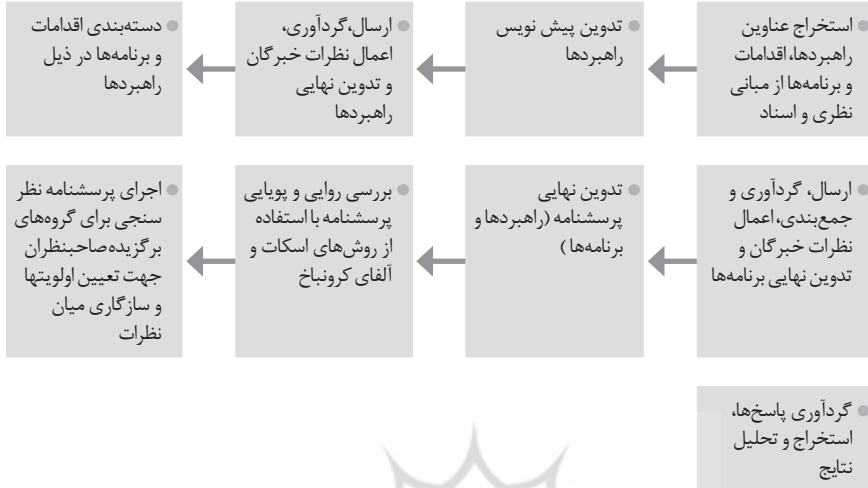
سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط با تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش شامل شورای انقلاب فرهنگی، نهاد ریاست جمهوری و نمایندگان عضو کمیسیون‌های آموزش و پرورش و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی (۵۲ نفر).

۳. **مدیران و مجریان:** از میان مجموعه مدیران ستادی، اعضای شوراهای مرتبط با سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، رؤسای سازمان‌های وابسته، سازمان‌های استانی آموزش و پرورش و گروهی از کارشناسان ادارات و دفاتر حوزه مرکزی وزارت آموزش و پرورش که با مسائل و جوانب اقتصادی و سیاست‌گذاری آموزشی ارتباط داشتند (۵۲ نفر).

برای پاسخ دادن به پرسش‌های نخست و دوم، از روش تحلیل محتوای اسنادی و برای بررسی اعتبار و اولویت‌بندی آنها از الگوی برخاسته از رویکرد مبتنی بر آرای متخصصان (خبرگان) بسط یافته و به صورت چندگانه استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات این تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت پذیرفت. در سطح توصیفی از جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین رتبه و در سطح استنباطی، براساس مقیاس داده‌ها، سطوح متغیرها و نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها از آزمون ناپارامتریک فریدمن برای تجزیه واریانس دو طرفه استفاده شد. به منظور تدوین پیش‌نویس برنامه (در قالب پرسشنامه) و ماهیت کیفی داده‌ها، از تحلیل اطلاعات به صورت کلامی، بصری و استقراء تحلیلی استفاده و برای پاسخ دادن به پرسش سوم به دلیل ماهیت کمی داده‌ها، تحلیل واریانس یک طرفه کروسکال-والیس با استفاده از رتبه‌ها به کار گرفته و استقلال گروه‌های نمونه از جوامع آماری مختلف و همگن بودن آرای صاحب‌نظران آزمون شد. فرضیه صفر در آزمون دو طرفه فریدمن نبود تفاوت معنادار میان رتبه اولویت‌های تعیین شده توسط مجموعه پاسخ‌دهندگان و در آزمون کروسکال والیس نبود تفاوت معنادار در رتبه‌بندی اولویت‌ها در میان گروه‌های سه‌گانه پاسخ‌دهندگان است. برای تحلیل اطلاعات نرم‌افزار SPSS به کار گرفته شد.

جهت گردآوری اطلاعات تحقیق از نمون برگ‌های ویژه برای ثبت عناوین اقدامات و برنامه‌های مستخرج از مطالعه اسناد و مدارک، پرسش‌نامه برای نظرسنجی از گروه برگزیده خبرگان و پرسش‌نامه نگرش‌سنج برای تعیین اولویت‌ها و سازگاری نظرات گروه‌های مختلف اساتید، مدیران و کارشناسان پیرامون مجموعه عناوین راهبردها و

برنامه‌ها استفاده شد. مراحل پژوهش عبارت بودند از:



مرحله نخست: استخراج مؤلفه‌ها و عناوین اقدامات و برنامه‌های تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش از مبانی نظری مربوطه و استفاده از روش سنتز پژوهی (پژوهش ترکیبی). اطلاعات در این مرحله به صورت کتابخانه‌ای و با مطالعه اسناد و مقالات مربوطه گردآوری و در قالب اقدام (۴۰۵ عنوان)، برنامه (۶۳ عنوان) و راهبرد (۵۳ عنوان) تنظیم شد.

مرحله دوم: پیش نویس عناوین راهبردها (۵۳ عنوان) در اختیار پنج نفر از خبرگان قرار گرفت و پس از دریافت و اعمال نظرات ایشان در چند مرحله، توافق روی چهار راهبرد (افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی، گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور، برابری فرصت‌های آموزشی و تنوع‌بخشی و تأمین منابع مالی کافی برای آموزش و پرورش) حاصل شد. سپس مجموعه اقدامات (۴۰۵ عنوان) در قالب برنامه‌ها (۶۳ عنوان) طبقه‌بندی، در ذیل راهبردهای چهارگانه دسته‌بندی و فهرستی از برنامه‌ها و اقدامات برای هر راهبرد تنظیم شد. فهرست برنامه‌ها در اختیار پنج نفر از خبرگان قرار گرفت و پس از اعمال نظرات ایشان در چند مرحله و حصول توافق، در قالب چهل و نه عنوان برنامه نهایی شد.

مرحله سوم: فهرست نهایی راهبردها (۴ عنوان) و برنامه‌ها (۴۹ عنوان) در قالب

پرسشنامه تنظیم و در اختیار گروهی محدود از خبرگان قرار گرفت تا روایی صوری و مفهومی و تناسب آنها با موضوع پژوهش آزمون شود. برای بررسی روایی پرسشنامه از روش اسکات استفاده و با در اختیار گذاشتن پرسشنامه در اختیار گروهی از خبرگان و لحاظ کردن معیارهای جامع بودن، امکان اجرا، یکپارچگی و هماهنگی، ضریب توافق از رابطه زیر محاسبه شد:

$$\lambda = \frac{Po - Pe}{1 - Pe}$$

درصد توافق مورد انتظار $Pe = 0/26$ ، درصد توافق مشاهده شده $Po = 0/94/4$ و ضریب قابلیت اعتماد $= 0/92$.

بر اساس رابطه اسکات، ضریب توافق برابر با $0/92$ و در حد قابل قبول برآورد شد (بالاتر از $0/70$). پس از تأیید روایی برای محاسبه پایایی یا برآورد اندازه تکرارپذیری نتایج، پرسشنامه‌ای با گویه‌هایی که فهرست اولیه راهبردها را شامل می‌شد با طیف ۵ درجه‌ای تهیه و برای دست‌کم ۳۰ نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران (از مجموعه ۹۷ نفر) اجرا و با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی درونی پرسشنامه بررسی شد. شاخص پایایی برآورد شده برابر با $0/86$ بود که نشان از هماهنگی بسیار گویه‌ها در سنجش راهبردها داشت. در گام بعد، پرسشنامه برای مخاطبان ارسال و در خواست شد عناوین راهبردها و برنامه‌ها را اولویت‌بندی کنند که نتایج گزارش می‌شود.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت به ترتیب نتایج اولویت‌بندی راهبردهای اجرای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و برنامه‌های گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور از دیدگاه گروه‌های سه‌گانه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران ارائه و در ادامه سازگاری آرای گروه‌های سه‌گانه مذکور بررسی می‌شود.

راهبردهای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش

در پاسخ به پرسش اول تحقیق، عناوین اولویت‌بندی شده راهبردهای اجرای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش از دیدگاه مجموعه پاسخ‌دهندگان (۹۷ نفر)، به ترتیب میانگین رتبه‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. فهرست عناوین راهبردهای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

در آموزش و پرورش به ترتیب اولویت

ردیف	عنوان	میانگین رتبه
۱	● افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی	۲/۳۲
۲	● گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اندیشه اقتصاد مقاومتی در کشور	۲/۳۴
۳	● برابرسازی فرصت‌های آموزشی	۲/۳۹
۴	● تنوع‌بخشی و تأمین منابع مالی کافی برای آموزش و پرورش	۲/۹۵

($N=97$, $df=3$, $\chi^2=15/767$, $P<0/001$)

نتیجه آزمون آنالیز واریانس دو طرفه فرید من برای پاسخ گفتن به پرسش معنادار بودن یا نبودن تفاوت میان رتبه اولویت راهبردهای تعیین شده توسط پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد: از آنجا که اندازه مجذور کای محاسبه شده از مجذور کای بحرانی بزرگتر است، فرضیه صفر رد و نتیجه می‌شود دست کم میان دو مورد از رتبه اولویت راهبردها تفاوت معنی‌دار وجود دارد که البته مشخص نیست کدام یک متفاوت از دیگری است. نتایج اولویت‌بندی بر اساس میانگین نشان می‌دهد راهبرد «افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی» از منظر مجموعه پاسخ‌دهندگان در میان مجموعه راهبردهای چهارگانه دارای اولویت است که البته تفاوت چشمگیری با اولویت‌های دوم و سوم ندارد. با رعایت احتیاط می‌توان عنوان کرد احتمالاً راهبرد «تنوع‌بخشی و تأمین منابع مالی کافی برای آموزش و پرورش» (اولویت چهارم) که میانگین رتبه آن (۲,۹۵) با میانگین رتبه راهبردهای دیگر (۲/۳۲، ۲/۳۴، و ۲/۳۹) تفاوت نسبی دارد، از اولویت متفاوتی برخوردار است. به نظر می‌رسد از منظر مجموعه پاسخ‌گویان اهمیت راهبرد «تنوع‌بخشی و تأمین منابع مالی کافی برای آموزش و پرورش» برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش به‌طور نسبی کمتر از دیگر راهبردها است.

در پاسخ به بخش نخست از پرسش سوم مبنی بر وجود تفاوت معنادار میان نظرات گروه‌های سه‌گانه مخاطبان در رتبه‌بندی اولویت راهبردها، از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. فرضیه صفر در این آزمون عبارت بود از: میان نظرات پاسخ‌دهندگان در رتبه‌بندی راهبردها تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج آزمون کروسکال-والیس

برای چهار عنوان راهبرد بر پایه میانگین رتبه‌های داده شده از منظر گروه‌های سه‌گانه به تفکیک در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول شماره ۲. نتایج بررسی سازگاری اولویت عناوین راهبردها از منظر گروه‌های سه‌گانه مورد مطالعه

ردیف	عنوان	N	χ^2	P	گروه		
					۱	۲	۳
					N = ۲۵	N = ۲۵	N = ۴۷
۱	افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی	۹۷	۳/۹۷۵	۰/۱۳۷	۵۳/۵۷	۴۹/۰۶	۴۰/۳۴
۲	گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور	۹۷	۱۹/۱۸	۰/۰۰۰	۵۱/۶۸	۶۲/۹۰	۳۰/۰۶
۳	برابرسازی فرصت‌های آموزشی	۹۷	۴/۳۷	۰/۱۱۳	۴۷/۷۹	۴۲/۲۸	۵۸
۴	تنوع‌بخشی و تأمین کافی منابع مالی برای آموزش و پرورش	۹۷	۹/۴۴	۰/۰۰۹	۴۵/۴۷	۴۱/۸۴	۶۲/۸

نتایج نشان می‌دهند فرضیه صفر در مورد راهبردهای دوم و چهارم رد و در سایر موارد (اول و سوم) پذیرفته می‌شود. بنابراین میان نظرات گروه‌های سه‌گانه پیرامون رتبه اولویت راهبردهای اول و سوم، توافق ولی در مورد راهبردهای دوم و چهارم تفاوت معنادار وجود دارد. راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اندیشه اقتصاد مقاومتی در کشور» (اولویت دوم) به ترتیب از منظر گروه سوم (مدیران و کارشناسان برگزیده نهادها و سازمان‌های مرتبط و مؤثر در تصمیم‌گیری برای آموزش و پرورش)، گروه اول (اعضای هیأت علمی برگزیده و صاحب‌نظران) و گروه دوم (مدیران و کارشناسان برگزیده وزارت آموزش و پرورش) بیشترین اهمیت را دارا بوده است. راهبرد «تنوع‌بخشی و تأمین کافی منابع مالی برای آموزش و پرورش» نیز به ترتیب از منظر گروه دوم (مدیران و کارشناسان برگزیده وزارت آموزش و پرورش)، گروه اول (اعضای هیأت علمی برگزیده و صاحب‌نظران) و گروه سوم (مدیران و کارشناسان برگزیده نهادها و سازمان‌های مرتبط و مؤثر در تصمیم‌گیری برای آموزش و پرورش) دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند.

برنامه‌های «راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد

مقاومتی در کشور»

با توجه به موضوع مقاله، در این قسمت به نتایج اولویت‌بندی برنامه‌های «راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور» پرداخته می‌شود. با بررسی مستندات و مدارک، در گام نخست مجموعه‌ای از اقدامات (۲۷۴ عنوان) مرتبط با راهبرد مذکور، استخراج و در قالب ۲۹ عنوان برنامه دسته‌بندی شدند:

جدول شماره ۳. فهرست عناوین برنامه‌های راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور

ردیف	عنوان برنامه
۱	تقویت فرهنگ، اخلاق و روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر طبیعت و محیط‌زیست
۲	تبیین و ترویج فرهنگ لازم برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، اشتغال‌زا و پویا، تلاش و کار، کارآفرینی، بهبود سطح بهره‌وری عامل کار، سرمایه و تکنولوژی در بخش‌های مختلف کشور، ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، عدالت میان نسلی
۳	توسعه فرهنگ جهادی و جهاد اقتصادی
۴	تبیین منافع و آثار مستقیم و غیر مستقیم آموزش عمومی بر رشد اقتصادی و توسعه کشور
۵	تبیین و تحلیل پیوسته اثربخشی آموزش و پرورش بر توسعه کشور
۶	اصلاح فرهنگ مصرف با توجه به مبانی اخلاقی-اسلامی
۷	ترویج مبارزه فرهنگی همه‌جانبه و فراگیر با مفسدات اقتصادی، تبعیض، ویژه‌خواری و افزونه‌خواهی (رانت‌جویی)
۸	تقویت هویت ملی و روحیه وطن‌دوستی با تأکید بر استقلال اقتصادی و احساس مسئولیت در برابر آن
۹	تقویت روحیه تولید و کارآفرینی در خود و دیگران براساس نیازهای جامعه و بازار کار
۱۰	توسعه ارتباط با بازار کار (ارتقای سطح کیفیت تحصیل برای توسعه اشتغال مولد)
۱۱	توسعه توانایی درک موقعیت‌ها و مسائل اقتصادی فردی، خانوادگی، محلی و ملی و بهره‌گیری از مهارت تصمیم‌گیری و آینده‌نگری مناسب در حل آنها
۱۲	توسعه محتوای برنامه‌های درسی معطوف به رویارویی با بحران‌های مالی-اقتصادی، تبیین چیستی و آثار تحریم‌های اقتصادی و چگونگی مقابله با آنها

جدول ۳. (ادامه)

ردیف	عنوان برنامه
۱۳	● تعمیق درک و فهم مسائل و مشکلات اقتصادی کشور و تقویت انگیزه برای تلاش و مشارکت مؤثر برای حل آنها
۱۴	● توسعه قابلیت‌های مورد نیاز کشور برای گسترش روابط با کشورهای جهان و دستیابی به رشد اقتصادی
۱۵	● توانمندسازی برای تحلیل ویژگی‌های وابستگی به درآمد نفت به عنوان عاملی کلیدی در اقتصاد مقاومتی
۱۶	● تبیین نقش اقتصاد مقاومتی در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی کشور و تقویت باور به آن
۱۷	● ترویج کسب دانش و فهم مسائل تهدیدشناسی اقتصادی
۱۸	● تقویت روحیه استقامت و خودباوری ملی در برابر تهدیدها
۱۹	● تقویت قابلیت بهره‌مندی از ظرفیت‌های داخلی کشور
۲۰	● توسعه بهره‌مندی از فناوری‌های نوین در راستای فعالیت‌های اقتصادی تولید، توزیع و مصرف بهینه
۲۱	● تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و اهداف، راهبردها و سیاست‌های مربوطه و توجیه نقش آموزش و پرورش در تحقق اهداف آن
۲۲	● توسعه آگاهی جمعی نسبت به ضرورت، اهداف، مفهوم، چگونگی تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
۲۳	● گفتمان‌سازی ابعاد اقتصاد مقاومتی در محیط‌های آموزشی از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی
۲۴	● تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و اهداف، راهبردها و سیاست‌های مربوطه و توجیه نقش آموزش و پرورش در تحقق اهداف آن
۲۵	● توسعه آگاهی جمعی نسبت به ضرورت، اهداف، مفهوم و چگونگی تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
۲۶	● تبیین چگونگی مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز از طریق اصلاح الگوی مصرف انرژی
۲۷	● تبیین چگونگی افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد
۲۸	● توسعه سطح سواد اقتصادی دانش‌آموزان در راستای تحقق اهداف اندیشه اقتصاد مقاومتی در کشور
۲۹	● توسعه اثربخشی برنامه درسی (سازگاری بیشتر با اهداف اقتصاد مقاومتی، سند چشم‌انداز، اصلاح الگوی مصرف و نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

در گام پسین عناوین برنامه‌ها در اختیار پنج نفر از خبرگان قرار گرفت و پس از دریافت و اعمال نظرات ایشان در چند مرحله، توافق روی چهار برنامه حاصل شد که در قالب پرسشنامه تنظیم و توسط گروه‌های سه‌گانه پاسخگویان اوایت بندی شدند.

برنامه‌های اولویت‌بندی شده «راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور»

به منظور پاسخ گفتن به پرسش دوم، تحقیق نتایج فهرست اولویت‌بندی عناوین برنامه‌های چهارگانه مربوط به راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور» از منظر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران»، در جدول شماره ۴ به ترتیب میانگین رتبه‌ها ارائه شده است:

جدول شماره ۴. فهرست اولویت‌بندی شده عناوین برنامه‌های اولویت‌بندی شده مربوط به گسترش مشارکت آموزش و پرورش در اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور

ردیف	عنوان	میانگین رتبه
۱	● گفت‌وگو سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین سیاست‌های مربوطه مانند جهاد اقتصادی به همراه ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حقوق مردم، قانون‌گرایی و مسئولیت پذیری در برابر محیط‌زیست	۲/۰۳
۲	● تبیین سبک زندگی اسلامی- ایرانی و سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف فردی و اجتماعی و مقابله با اسراف و تبذیر، مصرف و تجمل‌گرایی	۲/۲۸
۳	● تبیین مفاهیم و تقویت نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی- ایرانی، خودباوری ملی و روحیه وطن دوستی	۲/۷۰
۴	● تبیین مفهوم عدالت اجتماعی و ترویج مبارزه فرهنگی با مفساد اداری و اقتصادی، تبعیض، ویژه‌خواری و افزونه‌خواهی (رانت‌جویی)	۲/۹۹

($N=97$, $df=3$, $\chi^2=31/973$, $P<0/0001$)

نتایج آزمون آنالیز واریانس دوطرفه فریدمن نشان داد با توجه به بزرگتر بودن اندازه مجذور کای محاسبه شده از مجذور کای بحرانی، فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین میان رتبه اولویت دست کم دو برنامه تفاوت معنی‌دار وجود دارد که البته مشخص نیست مربوط به کدام یک از رتبه‌ها است. با احتیاط می‌توان عنوان کرد احتمالاً عناوین برنامه‌هایی که میانگین رتبه آنها با میانگین دیگر رتبه‌ها تفاوتی بارز دارد، از اولویت‌های متفاوتی

برخوردارند. براین اساس برنامه «گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین سیاست‌های مربوطه مانند جهاد اقتصادی به همراه ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حقوق مردم، قانون‌گرایی و مسئولیت پذیری در برابر محیط‌زیست» در میان مجموعه برنامه‌های مربوط به راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی در کشور دارای اولویت نخست است.

برای پاسخ گفتن به پرسش سوم تحقیق که وجود تفاوت معنادار میان نظرات گروه‌های پنج‌گانه مخاطبان در رتبه‌بندی اولویت برنامه‌های مربوط به راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش» را مورد سؤال قرار می‌دهد از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. فرضیه صفر عبارت است از: میان نظرات پاسخ‌دهندگان پیرامون اولویت‌بندی برنامه‌ها تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج آزمون کروسکال- والیس در زمینه اولویت‌بندی عناوین برنامه‌های چهارگانه بر پایه میانگین رتبه‌ها از منظر گروه‌های سه‌گانه در جدول شماره ۵ ارائه شده است:

جدول شماره ۵. نتایج بررسی سازگاری اولویت‌بندی عناوین برنامه‌های مربوط به راهبرد گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی در کشور از منظر گروه‌های سه‌گانه (نتایج آزمون کروسکال والیس)

ردیف	عنوان	N	χ^2	P	گروه		
					۱	۲	۳
					N = ۲۵	N = ۲۵	N = ۴۷
۱	گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین سیاست‌های مربوطه مانند جهاد اقتصادی به همراه ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حقوق مردم، قانون‌گرایی و مسئولیت پذیری در برابر محیط‌زیست	۹۷	۲/۱۸	۰/۳۴	۴۸/۶۵	۴۳/۸	۵۴/۸
۲	تبیین سبک زندگی اسلامی- ایرانی و سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف فردی و اجتماعی و مقابله با اسراف و تبذیر، مصرف و تجمل‌گرایی	۹۷	۲۵/۴	۰/۰۰	۵۴/۷۳	۶۱/۳۲	۲۵/۹
۳	تبیین مفاهیم و تقویت نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی- ایرانی، خودباوری ملی و روحیه وطن دوستی	۹۷	۳۷/۳	۰/۰۰	۴۰/۴۹	۳۶/۶	۷۷/۴
۴	تبیین مفهوم عدالت اجتماعی و ترویج مبارزه فرهنگی با مفاسد اداری و اقتصادی، تبعیض، ویژه‌خواری و افزونه‌خواهی (رانت‌جویی)	۹۷	۵/۱	۰/۰۸	۵۲/۷۱	۵۲/۴	۳۸/۶

همان طور که ملاحظه می‌شود فرضیه صفر در مورد رتبه برنامه‌های دوم و سوم رد و برای رتبه‌های اول و چهارم پذیرفته می‌شود. بنابراین میان نظرات گروه‌های سه‌گانه پیرامون رتبه اولویت‌های برنامه‌های اول و چهارم، توافق ولی در مورد رتبه اولویت برنامه‌های دوم و سوم تفاوت معنادار وجود دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهند برنامه «تبیین سبک زندگی اسلامی- ایرانی و سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف فردی و اجتماعی و مقابله با اسراف و تبذیر، مصرف و تجمل‌گرایی» به ترتیب از منظر گروه سوم (مدیران و کارشناسان برگزیده نهادها و سازمان‌های مرتبط و مؤثر در تصمیم‌گیری برای آموزش و پرورش) گروه اول (اعضای هیأت علمی برگزیده و صاحب‌نظران) و دوم (مدیران و کارشناسان برگزیده وزارت آموزش و پرورش) دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند. همچنین برنامه «تبیین مفاهیم و تقویت نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی- ایرانی، خودباوری ملی و روحیه وطن دوستی» به ترتیب از منظر گروه دوم (مدیران و کارشناسان برگزیده وزارت آموزش و پرورش)، گروه اول (اعضای هیأت علمی برگزیده و صاحب‌نظران) و گروه سوم (مدیران و کارشناسان برگزیده نهادها و سازمان‌های مرتبط و مؤثر در تصمیم‌گیری برای آموزش و پرورش) بیشترین اهمیت را دارا بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف نخست تحقیق حاضر تدوین و تعیین اولویت عناوین راهبردهای لازم برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش بود که با تحلیل محتوای اسناد و اولویت‌بندی توسط گروه‌های سه‌گانه صاحب‌نظران تصمیم‌گیران و مدیران و مجریان انجام و تفاوت میان آرای ایشان حاصل شد. نتایج اولویت‌بندی بر اساس میانگین نشان داد راهبرد «افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی» از منظر مجموعه پاسخ‌دهندگان در میان مجموعه راهبردهای چهارگانه دارای اولویت است که البته تفاوت چشمگیری با اولویت‌های دوم (گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اندیشه اقتصاد مقاومتی در کشور) و سوم (برابرسازی فرصت‌های آموزشی) نداشت. گروه مدیران و کارشناسان برگزیده نهادها و سازمان‌های مؤثر و مرتبط با آموزش و پرورش و گروه اعضای هیأت علمی برگزیده و صاحب‌نظران اولویت بیشتری برای راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اندیشه اقتصاد مقاومتی در کشور» و در برابر گروه مدیران و کارشناسان برگزیده وزارت آموزش و پرورش اهمیت

بیشتری برای راهبرد «تنوع‌بخشی و تأمین کافی منابع مالی برای آموزش و پرورش» (اولویت چهارم) قائل بودند. نگرانی احتمالی مدیران آموزش و پرورش نسبت به پذیرش بار مسئولیت جدید (مشارکت در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی) و تمرکز گروه اعضای هیأت علمی و کارشناسان و مدیران دستگاه‌های مرتبط با آموزش و پرورش (برای نمونه سازمان برنامه و بودجه) بر محصول و خروجی آموزش و پرورش می‌تواند دلیل متفاوت بودن اولویت‌بندی گروه‌های مورد اشاره باشد.

هدف دوم، اولویت‌بندی برنامه‌های مربوط به راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اندیشه اقتصاد مقاومتی در کشور» از سوی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران بود. برنامه «گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین سیاست‌های مربوطه مانند جهاد اقتصادی به همراه ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حقوق مردم، قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در برابر محیط‌زیست» در میان مجموعه برنامه‌های مربوط به راهبرد یاد شده در کشور دارای اولویت است.

پیرامون اولویت‌بندی برنامه‌های راهبرد فوق «تبیین سبک زندگی اسلامی-ایرانی و سیاست‌های اصلاح‌الگوی مصرف فردی و اجتماعی و مقابله با اسراف و تبذیر، مصرف و تجمل‌گرایی» یا «تبیین مفاهیم و تقویت نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی-ایرانی، خودباوری ملی و روحیه وطن‌دوستی»، در میان مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش با اساتید دانشگاه و اعضای هیأت علمی و مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط با آموزش و پرورش اختلاف نظر ملاحظه می‌شود که می‌تواند بر تمرکز فزون‌تر اعضای هیأت علمی و مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط با آموزش و پرورش بر اثربخشی و منافع اجتماعی آموزش و پرورش در قیاس با مدیران آموزش و پرورش دلالت داشته باشد. البته ناگفته نماند گرایش مذکور مطلق نیست و وجود توافق میان نظرات گروه‌ها در مورد برنامه‌های «تبیین و گفتمان‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» و «تبیین مفهوم عدالت اجتماعی و ترویج مبارزه فرهنگی با مفاسد اداری و اقتصادی، تبعیض، ویژه‌خواری و افزونه‌خواهی (رانت‌جویی)» نشان از توجه و تمرکز مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش بر کیفیت خدمات آموزشی و تربیتی و کارآئی بیرونی و منافع اجتماعی آموزش و پرورش دارد.

انصاری (۱۳۹۵) راهبردهای سه‌گانه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش را به ترتیب اولویت: «گسترش مشارکت و سهم آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تخفیف نابرابری در توزیع درآمد»، «افزایش کارایی و

بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی» و «برابری دسترسی به فرصت‌های آموزشی و بهره‌مندی از آموزش» مطرح نمود. اما در مطالعه حاضر رتبه اولویت‌های اول و دوم (با صرف نظر کردن از تفاوت در عبارت) جایگزین یکدیگر شده‌اند که البته میانگین رتبه راهبردها تفاوت ناچیزی با یکدیگر دارند که قابل چشم پوشی است (۲/۳۲ در برابر ۲/۳۴)، بنابراین می‌توان عنوان کرد در اهمیت و اولویت راهبرد «گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور» نزد صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران تفاوتی حاصل نشده است. نتیجه آزمون کروسکال والیس در سال ۱۳۹۴ نشان از نبود توافق میان گروه‌های مورد مطالعه در مورد اولویت‌های دوم (افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی) و سوم (برابری دسترسی به فرصت‌های آموزشی و بهره‌مندی از آموزش) و وجود توافق در مورد اولویت نخست (گسترش مشارکت و سهم آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تخفیف نابرابری در توزیع درآمد) داشت ولی در سال ۱۳۹۹، گروه‌های سه‌گانه در رتبه‌بندی اولویت راهبردهای اول (افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی) و سوم (برابری دسترسی به فرصت‌های آموزشی) توافق ولی در مورد راهبردهای دوم (گسترش مشارکت آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در کشور) و چهارم (تنوع‌بخشی و تأمین منابع مالی کافی برای آموزش و پرورش) آرای متفاوتی داشتند.

در مطالعه انصاری (۱۳۹۴)، «تقویت نقش آموزش و پرورش در اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جامعه»، «تقویت ارتباط آموزش و بازار کار»، «مشارکت بیشتر آموزش و پرورش در دستیابی به برابری در توزیع درآمد و ثروت و رفع تبعیض» برنامه‌های سه‌گانه‌ای بودند که به ترتیب در ذیل راهبرد «گسترش مشارکت و سهم آموزش و پرورش در توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تخفیف نابرابری در توزیع درآمد» اولویت‌بندی شدند. نتایج مطالعه انصاری (۱۳۹۴) نشان داد برنامه‌های «گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین سیاست‌های مربوطه مانند جهاد اقتصادی به همراه ترویج فرهنگ حفظ بیت‌المال و حقوق مردم، قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در برابر محیط‌زیست»، «تبیین سبک زندگی اسلامی- ایرانی و سیاست‌های اصلاح‌الگوی مصرف فردی و اجتماعی و مقابله با اسراف و تبذیر، مصرف و تجمل‌گرایی» و «تبیین مفاهیم و تقویت نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی- ایرانی، خودباوری ملی و روحیه وطن‌دوستی» به ترتیب دارای اولویت از منظر گروه‌های مورد بررسی بودند.

نتایج مطالعه دیگری نیز نشان داد فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان‌های عمومی و تخصصی اقتصاد مقاومتی در جامعه، با توجه به فراوانی‌اش در تمام گروه‌ها (مدیران متخصصان و اسناد) پرتأکیدترین مؤلفه و مدیریت سرمایه‌های انسانی و مادی، پرورش روحیه کار در دانش‌آموزان و الگوسازی و اصلاح سبک زندگی از دیگر ابعاد پر تأکید گروه‌های یاد شده برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش است (توضیح و همکاران . ۱۴۰۰: ۲۹۳) که با یافته‌های مطالعه حاضر سازگاری دارد.

پیشنهادات:

وجود اختلاف‌نظر در میان صاحب‌نظران پیرامون تعریف، ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با اقتصاد اسلامی و دیگر مکاتب اقتصادی مانعی فراروی اجرای موفق برنامه‌ها است که توجه بیشتر اندیشمندان را طلب می‌کند. بسیاری از اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند اصلاح نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مردم است. همچنین، تربیت اقتصادی به گونه‌ای که کارساز باشد و به تحول اثربخش در بینش و رفتار دانش‌آموزان و نیز خانواده‌ها منجر شود نیازمند پژوهش است. با توجه به وجود تنوع در آرای گروه‌های سه‌گانه اعضای هیأت علمی و صاحب‌نظران، مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط با آموزش و پرورش و مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش و اهمیتی که توافق مذکور برای تحقق اهداف و گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و مبارزه با فساد دارد، توجیه و دستیابی به توافق نسبی میان گروه‌های مورد نظر در زمینه اهمیت راهبردهای تأمین کافی منابع مالی و اثربخشی خدمات آموزشی و پرورشی لازم به نظر می‌رسد. توجه فزون‌تر اعضای هیأت علمی و اساتید و مدیران و کارشناسان نهادها و دستگاه‌های مرتبط به مسائل و مشکلات داخلی آموزش و پرورش به ویژه ناکافی بودن اعتبارات دولتی و در برابر تبیین اهمیت موضوع بهبود اثربخشی و بهره‌وری در ازای منابع اختصاص یافته از سوی جامعه برای مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش می‌تواند به نزدیک شدن دیدگاه‌ها و تقویت پشتوانه لازم برای دستیابی به توافق و اجرای برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش منجر شود. تاکنون برنامه‌های متعددی برای آموزش و پرورش تدوین و تصویب شده که به دلیل نبود منابع جنبه عملیاتی نیافته‌اند و بنابراین توافق میان تصمیم‌گیران کلان

کشور و صاحب‌نظران و مدیران دستگاه‌های مرتبط مانند سازمان برنامه و بودجه برای تدارک اعتبار لازم ضرورت دارد. گام بعدی در راستای تحقق اهداف برنامه‌ها، تدوین نهایی اقدامات برای اجرای هر یک از برنامه‌ها است. پایش، دریافت بازخورد، اصلاح و تکمیل برنامه‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان ضرورتی برای اجرای موفق برنامه‌ها نیازمند گردآوری و پردازش اطلاعات مربوطه است. البته پایش برنامه تنها نباید به ارزشیابی کمی برنامه‌ها محدود شود بلکه لازم است ارزشیابی کیفی را نیز در برگیرد. دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی در سطح جامعه از قبیل اصلاح الگوی مصرف، ابعاد گوناگونی در زمینه‌هایی چون دانش، بینش و رفتار دارد که ارزشیابی برنامه‌ها باید همه را پوشش دهد و در این راستا نقش معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه‌های تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و کشور نقشی بدون جایگزین است و لذا انگیزش و آماده ساختن ایشان ضرورت دارد. از آنجا که برنامه‌های متعددی وجود دارد که هر یک تکالیفی برای آموزش و پرورش وضع کرده اند، لازم است برنامه‌های تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش نخست در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب برسد و پس از آن به معاونت‌های مربوطه ابلاغ شود. همچنین ضروری است تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان برنامه‌های اقتصاد مقاومتی با دیگر برنامه‌ها به ویژه برنامه‌های زیرنظام‌های سند تحول بنیادین بررسی و در راستای ایجاد هماهنگی تعیین تکلیف شوند. لازم است برای هر برنامه اهداف کمی، الزامات قانونی، اجرایی، فنی، فضا، تجهیزات و نیروی انسانی و شاخص‌های ارزیابی عملکرد تعریف و به تفکیک برش‌های سالانه تنظیم شود.

انگیزه ناکافی افراد برای پاسخ گفتن به پرسش‌های پرسشنامه و شمار نسبتاً اندک آثار متقنی که به موضوع برنامه‌ریزی در زمینه اجرای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش پرداخته باشند، مهم‌ترین محدودیت‌های تحقیق بودند و بنابر این مجموعه خبرگان، صاحب‌نظران و کارشناسانی که با صرف زمان و دقت و حوصله به تکمیل پرسشنامه همت گماردند شایسته تقدیر هستند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از کلیه صاحب‌نظران، تصمیم‌گیران، مدیران و مجریان که ما را در انجام این پژوهش همراهی نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

- اسدی، علی. (۱۳۹۳). نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۱۲ (پیاپی ۵): ۲۵-۳۹
- امیری طهرانی زاده، سید محمد رضا. (۱۳۹۴). مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی. دو فصلنامه علمی- پژوهشی، جستارهای اقتصادی ایران، ۱۱۲ (پیاپی ۲۳): ۳۳-۵۱.
- انصاری، عبدالله. (۱۳۹۵). پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، برنامه اقدام. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۱۹ (۱)، پیاپی ۷۰: ۱۵۹-۱۸۸.
- ایزنلو، امید، و توکلی، محمد جواد. (۱۴۰۰). چیستی الگوی فرهنگ اقتصادی مطلوب در اقتصاد مقاومتی با تأکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و کارکردهای آن در مقاوم‌سازی اقتصادی، حکومت اسلامی، ۲۶ (۳)، پیاپی ۱۰۱: ۱۴۸-۱۲۳.
- برقی، عیسی و فضلعلی زاده، شهرام. (۱۳۹۸). بازشناسی و ارائه طرح برنامه درسی مؤلفه اصلاح الگوی مصرف اقتصاد مقاومتی برای آموزش و پرورش. مطالعات برنامه درسی، ۱۴ (۴)، پیاپی ۵۵: ۶۴-۴۵.
- پیغامی، عادل؛ سمیعی نسب؛ مصطفی و سلیمانی، یاسر. (۱۳۹۵). جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: مدل مفهومی، مقدمه‌ای بر سواد مالی (مالی شخصی و خانوادگی). انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- توضیح، علی؛ جهانی، جعفر؛ عباسی، عباس و ترک زاده، جعفر. (۱۴۰۰). طراحی چارچوبی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹ (۴)، پیاپی ۵۳: ۲۹۷-۲۶۳.
- جمشیدی مهر، پرویز و عبدی پور، نصیبه. (۱۴۰۰). نقش آموزشی معلم در تحقق اقتصاد مقاومتی با تأکید بر سبک زندگی ایرانی اسلامی. پویا، ۶ (۴) پیاپی ۲۳: ۸۴-۷۱.
- جهانگیری اسحاق. (۱۳۹۴). تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص تشکیل ستاد راهبردی و مدیریت اقتصاد مقاومتی. شماره ۱۸۵۰۰۱ / ۵۲۴۴۲ هـ. ۱۳۹۴/۶/۳۱
- خالقیان میمند، علی؛ واعظ برزانی، محمد؛ حیدری، محمدرضا و طغیانی، مهدی. (۱۳۹۶). سیاست‌های مالی تحت راهبرد اقتصاد مقاومتی. مجله اقتصاد اسلامی، ۱۷ (۲)، پیاپی ۶۶: ۴۵-۱۳.
- دانش جعفری. چیستی و چرایی اقتصاد مقاومتی (بخش اول). فصلنامه راهبرد توسعه، پاییز ۱۳۹۳، ۳۹ (۹): ۲۶-۷.
- دانش جعفری، داوود و کریمی، سمانه. (۱۳۹۴). نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲ (۴) پیاپی ۸: ۳۵-۱.
- دشتی، فرزانه؛ پور دانش، سیدسامر؛ باقری نیا، حدیث و مکرمی پور، محمدباقر. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های قدرت نرم در الگوی اقتصاد مقاومتی. مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۷ (۳): ۳۳-۷
- رحمان پور، محمد. (۱۳۹۷). بررسی مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن. فصلنامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۵ (۴)، پیاپی ۴۵: ۱۰۱-۷۹.
- زرانزاد، منصور. (۱۳۹۵). بررسی و نقد کتاب تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران رویکرد اقتصاد مقاومتی.
- سبکتکین، قربانعلی؛ جعفری، احمد و جعفری، همت. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه موردی: دانش‌آموزان شهر کرج. مقاله ارائه شده در همایش ملی سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی واحد البرز، ۱-۱۶
- سلیمانی، یاسر و پیغامی، عادل. (۱۳۹۵). مؤلفه‌های الگوی مقاوم‌سازی اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری). فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۱۹ (۲)، پیاپی ۷۱: ۵-۲۹
- سیف‌لو، سجاد. (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی. دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۵ (۲)، پیاپی ۱۰: ۱۷۳-۱۵۱

- شیروی، عبدالحسین و خداپرست، ناصر. (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴۹(۱): ۲۷۰-۲۴۹.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی نمود آموزه‌های اعتقادی و اقتصادی اسلام. *دوفصلنامه اندیشنامه ولایت*، ۲(۳): ۲۰-۵.
- طغیانی، مهدی. (۱۳۹۴). درآمدی در باب تعلیم و تربیت رسمی و اقتصاد مقاومتی.
- طغیانی، مهدی و مرادی، امین. (۱۳۹۵). تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۲): ۲۲۷-۲۶۰.
- طهماسب‌زاده‌شبخلار، داود؛ فتاحی‌مرکید، مریم و ایمان‌زاده، علی. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در قرآن کریم و میزان انعکاس آن در اسناد بالادستی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷(۱): ۹۱-۱۲۲.
- عبدالملکی، حجت‌الله. (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها برنامه عمل. به اهتمام: مؤسسه علمی - فرهنگی سدید، *انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)*، چاپ دوم
- قاسمی، زهرا؛ جرفی؛ عبدالامیر و محمودیان، حمید. (۱۳۹۷). ضرورت تغییر در سبک زندگی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و پیاده‌سازی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی. *فصلنامه علمی و پژوهشی رهیافت* ۱۲(۳)، پیاپی ۴۴: ۳-۲۶.
- قرارگاه پدافند اقتصادی سازمان پدافند غیرعامل (۱۳۹۵). دفاع اقتصادی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). *نشر نیلوفران*.
- قربی، سیدمحمدجواد. (۱۳۹۵). رویکرد انتقادی درباره برداشتهای رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی* ۱۷(۱)، پیاپی ۴۴: ۱۲۳-۱۰۳
- کشتی‌آرای، نرگس؛ عمادزاده، مصطفی و یزدانی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برای طراحی در برنامه درسی آموزش و پرورش ایران. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۰(۴۰): ۸۵-۹۴.
- کمانگرشیرزاد، حسن. (۱۳۹۸). درآمدی بر راهبردهای عملی اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های قرآن. *فصلنامه مطالعات علوم قرآن*، ۱(۲): ۱۸۹-۱۶۱.
- گرمایی، حسنعلی. (۱۳۹۷). تدوین چارچوب محتوای اقتصاد مقاومتی با تمرکز بر رهنمودهای مقام معظم رهبری برای ورود به حوزه‌های یادگیری در برنامه درسی ملی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۱): شماره پیاپی ۶، ۱۲۰-۸۹.
- میرعرب، رضا؛ حاجی‌تبارفیروزجایی، محسن و آریانفر، سمیه. (۱۳۹۷). تحلیل مؤلفه‌های سواد اقتصادی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۷(۱۴): ۱۳۲-۱۲۱.
- میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر نظر مقام رهبری)، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۷): ۷۶-۴۹.
- یوسف‌زاده، محمدرضا و آداک، موسی. (۱۳۹۷). بررسی محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم ابتدایی بر مبنای تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۴): ۱۸۲-۱۵۳.

REFERENCES

Briguglio, Lino and Stephen Piccinino. (2009). Growth and Resilience in east Asia and the Impact of the 2009 Global Recession “Available at :http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5Dec2011.pdf